نگاه سیاستمدار

داستان دو چپ

جورج کاستانیدا*
ترجمه : محمدحسین باقی

نه واشینگتن و نه هیچ کس دیگری نمی تواند مسیر حوادث در آمریکای لاتین را تغییر دهد. دولت بوش با وفای به عهد خود در برابر متصدیان امور در منطقه درباره موضوعاتی چون مهاجرت، تجارت و به موجب آن حمایت دائم از فرآیند انتخاباتی بدون دخالت، می تواند تغییراتی ایجاد کند. یک استراتژی معقول دربرگیرنده حمایت فعالانه از «چپ واقعی» است زمانی که در قدرت است: امضای توافقنامه تجارت آزاد با شیلی، در نظر گرفتن برزیل به عنوان شریک جدی تجاری، دخیل کردن دولت های این ملت ها در مسائلی که مربوط به کشورهای جهان سومی است (مثل کلمبیا، کوبا، و ونزوئلا) و آوردن رهبران و اندیشمندان شان به میدان. چپ واقعی باید بتواند نشان بدهد که نه تنها هیچ مجازاتی برای بودن آنچه که هست وجود ندارد بلکه می تواند سودمندی های محسوس و واقعی را ارائه دهد.

جامعه بین المللی نیز باید مشخص سازد که از به اصطلاح «چپ دروغین» چه انتظاری دارد، با تشخیص اینکه این چپ به سرعت ناپدید نمی شود. اولین نکته قابل تاکید این است که تمام حکومت های آمریکای لاتین باید به تعهدات کشورشان در مورد حقوق بشر و دموکراسی عمل کنند. نکته دوم این است که دولت ها باید موافقت کنند با تلاش های چندجانبه برای ساختن یک نظم قانونی بین المللی همکاری کنند. اروپا و واشینگتن اهرم های گسترده ای در بسیاری از این کشورها حداقل در برخی از این موارد دارند و باید از آن استفاده کنند.

سرانجام، واشینگتن و سایر دولت ها باید از اشتباهات پیشین اجتناب کنند. برخی مبارزات ارزش مبارزه را ندارند: اگر مورالس بخواهد با شیلی بر سر دسترسی به دریا جروبحث کند، با آرژانتین بر سر قیمت گاز، با پرو بر سر مردم بومی، عقب می ماند. اگر چاوس واقعاً بخواهد تکنولوژی هسته ای از آرژانتین به دست آورد - بگذارید به دست آورد - تا زمانی که تحت نظارت آژانس است. تحت هیچ شرایطی ما نباید بپذیریم که نیم کره به دو اردوگاه حامی و ضدآمریکا تبدیل شود، همانگونه که در مورد کوبا در دهه ۱۹۶۰ و آمریکای مرکزی در دهه ۱۹۸۰ اتفاق افتاد. بنابراین در عوض بحث در مورد اینکه آیا از پیدایش چپ در آمریکای لاتین استقبال یا افسوس خوریم، عاقلانه تر خواهد بود که منطق را از اغیار خالی، از اولی [تعامل و همکاری با این کشورها] حمایت و دومی [تقسیم نیم کره به دو اردوگاه] را محدود کنیم. ضمناً، همه باید خود را در مورد آنچه که از زمان انقلاب کوبا تاکنون حادثه زمین لرزه وار برای چپ آمریکای لاتین خواهد بود- یعنی مرگ کاسترو- آماده کنند. چپ آمریکای لاتین همچنین باید خود را برای پایان عصر بوش و پیدایش جمهوریخواهان میانه رو یا بازگشت دموکرات های میانه رو آماده سازند.

***جورج کاستانیدا از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳ وزیر خارجه مکزیک بود. او اکنون در دانشگاه نیویورک تدریس می کند.**

منبع: Prospect Magazine آگوست ۲۰۰۶

بخش پایانی

مروری بر زندگی و آثار سیدقطب

آغازگر اسلام سیاسی مدرن

ترجمه : ابراهیم اسکافی

سید قطب (۹ اکتبر ۱۹۰۶- ۲۹ اوت ۱۹۶۶) نویسنده نظریه پرداز مصری و عضو اخوان المسلمین مصر بود. شهرت او بیشتر به سبب بازنگری وی در تاثیر اصول گرایی اسلامی بر تحولات اجتماعی و سیاسی، به ویژه کتاب «معالم فی الطریق» است. در کتاب تفسیر جامع قرآن، «فی ظلال القرآن الکریم» برداشت های مدرنی از مفاهیمی اسلامی نظیر «جهاد»، «جاهلیت» و «امت» مطرح شده است. این کتاب جایگاه مهمی در اندیشه های وی دارد.

■ زندگی و فعالیت های اجتماعی

قطب در روستای موشا در مصر به دنیا آمد و در سنین جوانی در آنجا به آموختن قرآن پرداخت. او به قاهره رفت و پیش از آنکه کارش را به عنوان معلم در وزارت معارف (آموزش و پرورش) آغاز کند، بین سال های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ در نظام آموزش و پرورش غربی مصر تحصیل کرد. او به عنوان نویسنده و منتقد اغلب اوقاتش را صرف ادبیات می کرد. رمانی به نام اشواک (خارها) نوشت و حتی با نقدهایش نجیب محفوظ رمان نویس مصری را از گمنامی درآورد. در سال ۱۹۳۹ کارمند وزارت معارف مصر شد. برای تحصیل درباره سیستم های آموزشی بین سال های ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۰ با بورسیه تحصیلی به ایالات متحده رفت و مدرک کارشناسی ارشد خود را از کالج آموزشی ایالت کلرادو (نام فعلی اش دانشگاه شمال کلرادو است) دریافت کرد. «العدالت الاجتماعی فی الاسلام» را که اولین اثر نظری مهمش در حوزه نقد اجتماعی مذهبی است، در خارج از کشور در سال ۱۹۴۹ منتشر کرد. گذشته از پایان نابهنگام زندگی اش، زندگی شخصی اش هیچ گاه شادمان نبود. گرچه اسلام به او آرامش و رضایت خاصی می بخشید، اما وی مبتلا به بیماری تنفسی بود و از چند بیماری دیگر نیز در سراسر عمر رنج می کشید. ویژگی بارز او «درون گرایی، انزواطلبی، افسردگی و نگرانی» بود. ظاهرش «رنگ پریده و چشمانش خواب آلود» بود. قطب هرگز ازدواج نکرد، شاید به خاطر عقاید تند مذهبی اش. جامعه مصر در زمانی که او زندگی می کرد به شدت در حال غربی شدن بود، قطب معتقد بود قرآن (در سوره نساء) می گوید که «مردان باید بر امور زنان مدیریت کنند...» قطب با خوانندگان آثارش در میان می گذاشت که نتوانسته است زن مناسبی را که «خلوص و بصیرت اخلاقی» داشته باشد، پیدا کند و مجبور است با زندگی مجردی بسازد. مسائل زیادی در آمریکا بود که انتقاد شدید قطب را برمی انگیخت: نژادپرستی، مادی گرایی، آزادی فردی، سیستم اقتصادی، آرایشگران ناشی، ابتذال، ممنوعیت طلاق، هیجانات ورزشی و اختلاط «حیوانی» جنسیت ها (حتی در موقع رفتن به کلیسا). و از حمایت نکردن آمریکا از مبارزات مردم فلسطین نیز به شدت انتقاد می کرد. در مقاله ای که پس از بازگشت از آمریکا در مصر منتشر کرد، با رفتارهای جنسی در آمریکا به شدت انتقاد کرد: قطب نتیجه می گیرد که جلوه های اصلی زندگی آمریکایی «بدوی» و منزجرکننده است. تجربیاتش در ایالات متحده باعث شد تا در بازگشت به مصر، عزمش برای مخالفت با ارزش های غربی و حرکت به سوی رادیکالیسم جزم شود. در سال ۱۹۵۳ از خدمات دولتی استعفا داد تا به اخوان المسلمین بپیوندد و بعدها تاثیرگذارترین مبلغ این گروه شد. مکتب فکری او اکنون به عنوان قطبیسم شناخته می شود. هم اخوان المسلمین و هم قطب از ارتباط نزدیک شان با جنبش افسران آزاد در زمان کودتای ۱۹۵۲ و پس از آن راضی بودند. بسیاری از اعضای اخوان المسلمین انتظار داشتند که ناصر دولتی اسلامی تشکیل دهد، دست کم یک دموکراسی اسلامی. اما خیلی زود رابطه میان اخوان المسلمین و افسران آزاد که موفقیت هایی در انقلاب کسب کرده بودند، تیره شد. افسران آزاد نه انتخابات برگزار می کردند و نه حاضر بودند مصرف الکل را ممنوع کنند. خیلی زود معلوم شد که اصول اسلامی اخوان المسلمین و ایدئولوژی سکولار ناصریسم با هم سازگار نیستند. پس از تلاش برای ترور جمال عبدالناصر در سال ۱۹۵۴، دولت مصر به سرکوب اخوان المسلمین پرداخت. قطب و بسیاری دیگر از اعضای اخوان المسلمین را به خاطر مخالفت های شفاهی با سیاست های دولت حبس کرد. قطب در زندان دو اثر بسیار مهمش را نوشت: تفسیری بر قرآن «فی ظلال القرآن الکریم» و مانیفست اسلام سیاسی اش با عنوان «المعالم فی الطریق». این آثار اندیشه های نهایی قطب را تشکیل می دهند، او در این کتاب ها بر مبنای تفسیرهایی از قرآن، تاریخ اسلام و مسائل اجتماعی و سیاسی مصر ادعاهایی ساختارشکنانه مطرح کرده است. قطب با وساطت نخست وزیر وقت عراق، عبدالسلام عارف، از زندان آزاد شد، اما ۸ ماه بعد در اوت ۱۹۶۵ دوباره بازداشت شد. او متهم به طراحی برای سرنگونی دولت بود و به دادگاهی فرستاده شد که عده ای آن را دادگاهی نمایشی می نامند. اغلب اتهامات او مستقیماً برگرفته از کتاب «معالم فی الطریق» بود. او در دادگاه سرسختانه از عقایدش دفاع کرد. دادگاه قطب و ۶ عضو دیگر اخوان المسلمین را به اشد مجازات یعنی اعدام محکوم کرد. در ۲۹ اوت ۱۹۶۶ سید قطب به دار آویخته شد.

■ تکامل فکری

در این باره که چرا قطب از یک اصلاح طلب سکولار در دهه ۱۹۳۰ به یک اسلام گرای رادیکال (که در معالم فی الطریق مشهود است) در دهه ۱۹۵۰ تبدیل شد، نظریات گوناگونی وجود دارد. یکی از نظریه های عمده در این مورد این است که زمانی که وی در سال های ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۴ در زندان به سر می برد، از آن جا که شاهد شکنجه و جنایات زیادی علیه اخوان المسلمین بود، نتیجه گرفت که جز در یک حکومت پای بند به قوانین شرع نمی توان جلو چنین مظالمی را گرفت. نظریه دیگر این است که تجربیات وی در آمریکا از یک سو و این که سیاست های ناصر به اندازه کافی ضدغربی نبودند از سوی دیگر باعث شد تا افسون قدرتمند و خطرناک جاهلیت (که در نظر او خطر جدی یک ذهنیت سکولار بود) را احساس کند. سرانجام، قطب نظریه خودش را در «معالم فی الطریق» مطرح کرد، او ادعا می کند تا زمانی که از قوانین شریعت به عنوان یک سیستم جامع برای تمام جنبه های زندگی پیروی کنیم، هیچ چیز غیراسلامی ناجور و فاسدی وجود نخواهد داشت و انسانیت از تمام مواهب برخوردار خواهد شد، از آرامش شخصی و اجتماعی گرفته تا «گنجینه های» نهفته در جهان. به طور طبیعی، تجربیات قطب به عنوان یک مصری - دوران کودکی، کارهای حرفه ای و مبارزاتش در اخوان المسلمین- اثر آشکاری بر دیدگاه های نظری و مذهبی اش باقی گذاشته است. حتی در نوشته های سکولار اولیه اش، نشانه هایی برای زمینه های بعدی افکارش وجود دارد. برای مثال، در خودزندگینامه دوران کودکی قطب «طفل من القریه» کمتر اشاره ای به اسلام یا نظریه های سیاسی شده است و معمولاً در زمره یک اثر ادبی سکولار طبقه بندی می شود. با وجود این، پر از اشاره هایی به عرفان روستایی، قرآن و وجود بی عدالتی است. آثار بعدی قطب در چنین زمینه هایی با استفاده از تفسیرهای قرآنی، عدالت اجتماعی و اسلام سیاسی بسط پیدا می کند. حرفه نویسندگی قطب تاثیر عمیقی بر فلسفه اش گذاشته است. در «التصویرالفنی فی القرآن» درکی ادبی از قرآن و روش شناسی تکمیلی در تفسیر متن را به کار برد. هرمنوتیک وی که در تفسیر جامع قرآن «فی ظلال القرآن» به کار رفته است زیربنای تبیین رادیکال در «معالم فی الطریق» است. دراواخر عمر، قطب تجربیات شخصی و پیشرفت های نظری اش را در بدنه باورهای مذهبی و سیاسی اش ترکیب کرد و در «معالم فی الطریق» منتشر کرد. این کتاب خلاصه ای از دیدگاه های کلی قطب درباره سیستم اسلامی است. در ضمن در این کتاب؛ قطب آشکارا حکومت سکولاری مثل رژیم عبدالناصر که مشروعیتش را بر مبنای خواست و رضایت انسان ها قرار داده بود، محکوم کرده است. این اثر بیش از دیگر آثارش، شخصیت قطب را به عنوان رهبر اسلام گرایان افراطی در قرن بیستم شکل داد.

نکته

قطب اغلب به عنوان مهمترین حامی نظری اسلامگرایی رادیکال در قرن بیستم شناخته می شود.

■ دیدگاه های سیاسی

قطب چه در زمانی که از حکومت دیکتاتوری حمایت می کند و چه بعدها که حکومت قوانین شریعت و ذاتاً بدون دولت را ترویج می کند، دیدگاه های سیاسی اش همواره متمرکز بر اسلام است، اسلامی که سیستم جامع اخلاقی، قضایی، و حکمرانی دارد و قوانین شریعتش باید تنها مبنای حکومت باشد. دیدگاه قطب درباره حکومت اسلامی با بسیاری از مسلمانان نوگرا و اصلاح طلب که معتقدند چون نهاد قرآنی شورا از انتخابات و دموکراسی حمایت می کند، در نتیجه دموکراسی پدیده ای اسلامی است، متفاوت است. قطب در عوض از حکومت «مطلقه محض» دفاع می کند، او ادعا می کند که خطاب قرآن در موضوع شورا تنها به حاکم است تا با برخی از حکومت شوندگان مشورت کند و ربطی به انتخابات ندارد. قطب انقلاب ۱۹۵۲ را در ابتدا فرصتی برای عملی کردن دیدگاه هایش می دید، اما به محض این که متوجه شد این رژیم اجرای کامل قوانین شریعت را نمی پذیرد، از سیاست های دولت جدید افسران آزاد به رهبری جمال عبدالناصر فاصله گرفت. قطب همچنین شاهد بی رحمی حکومت ناصر در بازداشت های خودسرانه، شکنجه و خشونت های مرگبار در زندان بود. شاید در واکنش به همین مظالم قدرت بود که دیدگاه قطب شکل گرفت: حکومت اسلامی به جای آنکه توسط چند شخص دیندار اداره شود، باید «فارغ از انسان های روی زمین و هر اراده ای جز اراده خداوند باشد» و هیچ حکمرانی نداشته باشد.

■ گفتار اصلی: معالم فی الطریق

ایده فراغت کامل [حکومت] از انسان و راه های رسیدن به آن در آخرین کتاب وی «معالم فی الطریق» تبیین شده است. قطب خودش را یک مسلمان پیشتاز می دید که باید با دو روش با جاهلیت مبارزه کند: تبلیغ کردن و براندازی سازمان ها و قدرت های سیستم های جاهلی از طریق «قدرت فیزیکی و جهاد». جنبش پیشرو باید رشد کند تا یک جامعه حقیقتاً اسلامی را تشکیل بدهد و سپس آن را به سراسر سرزمین های اسلامی گسترش دهد و در نهایت تمام جهان را دربربگیرد. قطب تأکید می کند که این مبارزه آسان نیست. اسلام حقیقی تمام جنبه های زندگی را دگرگون خواهد کرد و هر چیز غیراسلامی را از میان خواهد برد. مسلمانان غیرواقعی، یهودیان و غربی هایی که جاهلی هستند همه مبارزه خواهند کرد و هم پیمان می شوند تا نگذارند جاهلیت از بین برود. مسلمانان واقعی می توانند مشتاقانه به استقبال «فقر، مشقت، ناامیدی، عذاب و فداکاری» بروند.

■ فلسفه

قطب اغلب به عنوان مهمترین حامی نظری اسلامگرایی رادیکال در قرن بیستم شناخته می شود. این موضوع تا حد زیادی به خاطر کتاب هایی است که در این باره نوشته است و نیز به خاطر آن است که در آخرین کتابش ارتباطی قوی میان سیاست و مذهب برقرار کرده است. قطب به ویژه دیدگاه های پیچیده و جنجال برانگیزی را در مورد چند مقوله اسلام سنتی طرح ریزی کرد.

■ جاهلیت

یکی از این نظریه ها استفاده از واژه «جاهلیت» در مورد جوامع مسلمان دوران مدرن بود، این اصطلاح به طور سنتی به گمراهی بشریت پیش از ظهور اسلام اطلاق می شد. از نظر قطب کنار گذاشتن قوانین اسلامی و ارزش های مذهبی (به ویژه پس از استعمار اروپا) جهان اسلام را همچون دوران پیش از اسلام (یعنی جاهلیت) در گمراهی فروبرده است. قطب با اطلاق جاهلیت به دنیای اسلام، نتیجه می گیرد که تمام حکومت های غیراسلامی از جمله مصر نامشروعند. جنجالی ترین ویژگی نظریه قطب درباره جاهلیت، کاربرد وسیع آن بود. قطب معتقد بود که تمام جوامعی که با حکومت های غیراسلامی اداره می شوند، غیراسلامی هستند. علاوه بر آن، قطب بر مبنای تفسیرهای قرآنی از جاهلیت، نتیجه می گرفت که مسلمانانی که در این گونه جوامع زندگی می کنند شرعاً موظفند با دولت حاکم مبارزه کنند و با حکومت درگیر شوند. با این نظریه مشروعیت و تحریک به انقلاب، قطب در مقابل اغلب جوامع سیاسی و از جمله موطنش، مصر قرار گرفت. تئوری های قطب عملاً آمیزه ای از تفسیر بنیادگرایانه از قرآن و ایدئولوژی اجتماعی- سیاسی رادیکال است.

■ نقدها

قطب را، به ویژه در بخشی از رسانه های غربی، به عنوان حامی نظری جنبش های گوناگون افراط گرایی اسلامی در دهه ۱۹۸۰، از جمله سازمان بین المللی و القاعده می شناسند. آنها ادعا می کنند که قطب زیربنای فکری افراط گرایی اسلامی است. هرکسی می تواند پیوستگی هایی میان اندیشه قطب و گروه های بنیادگرای افراطی بیابد، از جمله دیدگاه های او شامل دفاع از حکومت اسلامی به عنوان تنها دولت مشروع، توجیه کردن مبارزه با دولت های غیراسلامی به عنوان جهاد و مخالفت سرسختانه با فرهنگ و ارزش های غربی. محمد قطب، برادر قطب، پس از رهایی از زندان در مصر به عربستان سعودی مهاجرت کرد و در آنجا به مقام استادی مطالعات اسلامی رسید. در آنجا آثار برادرش را ویرایش، منتشر و تبلیغ می کرد. یکی از شاگردان و پیروان پرشورش ایمن الظواهری بود که بعدها مشاور اسامه بن لادن شد و در کتابش «دلاوران زیر بیرق پیامبر» به تمجید از آرای قطب پرداخت. بسیاری از مسلمانان به ویژه در جوامع سنتی و جریان غالب مسلمانان از قطب انتقاد می کنند. آنان یادآور می شوند که قطب بدعت های زیادی وارد دین کرده است و او محققی غیرحرفه ای بوده است که به سنت های اسلامی احترام نگذاشته و از اجتهاد سوءاستفاده کرده است. آنها همچنین از او انتقاد می کنند که به طرزی مخفیانه نظریاتش را بر دیدگاه های غربی منطبق کرده است. قطب معتقد بود که عدالت اجتماعی و اقتصاد توزیعی با اسلام سازگار است، مسلمانان سنتی با این دیدگاه مخالفند. برخی از مسلمانان به رهبر شناخته شده مذهبی به عنوان «خلیفه» اعتقاد دارند، قطب برعکس، دیدگاه های انقلابی را تایید می کند. علاوه بر این، آنها قطب و دیگر اسلام گراها را به کفر متهم می کنند.

■ میراث قطب

نفوذ قطب و آثارش طیف کامل اسلام گرایان را دربرگرفته است. او اغلب در کنار اسلام گرایان برجسته ای چون مولانا، مودودی و حسن البنا یکی از پرنفوذترین مبارزان دوران مدرن به حساب می آید. وی بدین خاطر شهرت یافت که ایدئولوژی اسلامی را در حل مسائل اجتماعی و سیاسی جاری نظیر غربی شدن، مدرنیزاسیون و اصلاحات سیاسی به کار برد. قطب موضوعات بسیاری را در کتابش بسط داد که اکنون در گفتمان های غربی درباره اسلام گرایی بسیار متداول است، از جمله نظریه برخورد ناگزیر ایدئولوژیکی میان «اسلام و غرب»، نظریه امت چندملیتی و کاربرد وسیع جهاد در پیش زمینه های گوناگون معنوی، سیاسی و اجتماعی. قطب در زمینه سیاست نشانه بارزی در اخوان المسلمین برجای گذاشته است که هنوز هم وجود دارد و با سیاست در مصر آمیخته است. اثر نظری او در مورد دفاع غیرخشونت آمیز از اسلام شامل تأکید بر عدالت اجتماعی و آموزش و پرورش سنگ بنای اخوان المسلمین فعلی است. تفسیر او از جهاد به صورت خشونت آمیز و غیرخشونت آمیز و کاربردش در دگرگونی اجتماعی بر بسیاری از مبارزان اسلام گرایی که بعد از وی آمدند تاثیر گذاشت. سرانجام زندانی شدن و اعدام او باعث شد که برخی از مسلمانان وی را شهید به حساب بیاورند. بسیاری او را به عنوان مهمترین مفسر جدید قرآن در قرن بیستم می شناسند. امروز برخی او را در حد پیشکسوت افراطی ترین جنبه های مبارزه خشونت آمیز ارتقا می دهند. آثار نوشتاری قطب از جمله جنجالی ترین شان، امروزه در دسترس همگان هست و به اغلب زبان های غربی ترجمه شده است. مشهورترین کتاب قطب، «معالم فی الطریق» را برخی آغاز اسلام سیاسی مدرن به حساب می آورند. در هر حال، اغلب نظریات قطب در تفسیر قرآنی «فی ظلال القرآن» دیده می شود. این کتاب سی جلدی به خاطر روش ابتکاری وی در تفسیر قابل توجه است. این روش وام گرفته از تحلیل ادبی امین الخولی است، هر چند برخی ویژگی های ساختاری تفسیر سنتی را نیز حفظ کرده است (مثلاً پیش رفتن به ترتیب از اولین سوره تا آخرین سوره).

منبع: ویکی پدیا

نگاه کارشناس

خاورمیانه جدید بوش در حال مقاومت

سعدالدین ابراهیم*
ترجمه : نیره محمودی

پرزیدنت جورج بوش و کاندولیزا رایس وزیر خارجه آمریکا شاید در مورد تولد خاورمیانه جدید کاملاً درست گفته باشند. در حقیقت سیاست آنان در حمایت از اسرائیل به عنوان نزدیک ترین هم پیمان منطقه ای به قابله این تولد جدید کمک زیادی کرد. اما این دقیقاً همان بچه ای نیست که آنها مدت ها در انتظارش بودند. آنچه که هم اکنون در خاورمیانه بزرگ و شمال آفریقا شاهد هستیم، تاثیرات همان بومرنگی است که از زمان وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به هوا پرتاب شده بود. در پی این حملات شاهد یک همدردی جهانی به پشتیبانی از آمریکا و در حمایت از جنگ اعلام شده علیه تروریسم از جمله تهاجم به افغانستان بودیم. سپس بهره برداری خودخواهانه از این حسن نیت جهانی توسط سیاستمداران به اصطلاح نومحافظه کار آمریکا به منظور توسعه طرح های هژمونیک با جنگ عراق مورد تایید قرار گرفت. اظهارات ریاکارانه دولت بوش در مورد «تسلیحات کشتارجمعی» اعتباری را که به نظر می رسید آمریکا به عنوان یک کشور آزادیخش کسب کرده است، با تردید مواجه ساخت. در همین حال مدیریت فاجعه آمیز امور عراق پس از تهاجم به این کشور دستاورد یک پیروزی متعارف نظامی را بر باد داد. عراق به سوی یک خشونت قومی خونین حرکت کرد، این درحالی بود که واشینگتن رسماً طفره می رفت و از پذیرش خطاهای خود ابا داشت. تعجبی نداشت که جهانیان نیز به تدریج از آمریکا رویگردان شوند. پرزیدنت بوش در برابر این اعتبار در حال افول طی اولین سال از دور دوم زمامداری اش دست به اقدامی زد که بازگشت از رویه پیشین تعبیر شد. او در سخنانش پیرامون سیاست خارجی آمریکا از تاکید بر «جنگ علیه تروریسم» به جنگ انگاره ها و تلاش برای کسب آزادی و دموکراسی تغییر لحن داد. در سال ۲۰۰۵ به نظر می رسید که خاورمیانه بالاخره به بهار دیررس آزادی نزدیک شده است. لبنان در پی ترور نخست وزیر محبوب خود، انقلاب سدر را تجربه کرد. مصر پس از گذشت ۵۰ سال، اولین انتخابات چندحزبی را برگزار کرد. فلسطین نیز با وجود شرایط سخت اشغال شاهد برگزاری انتخابات بودند. قطر و بحرین در خلیج فارس هم به حرکت پایدار خود به سوی سلطنت مشروطه ادامه دادند. حتی عربستان سعودی اولین انتخابات شهرداری های خود را برگزار کرد. اما وقایع دیگری نیز روی دادند. حماس نامزدهای خود را بسیج کرد و توانست در انتخابات پارلمانی فلسطین به پیروزی رسیده و دولت جدید را تشکیل دهد. حزب الله در لبنان و جنبش اخوان المسلمین مصر هم به موفقیت های انتخاباتی مشابهی دست یافتند. با وقوع چنین رویدادهایی عرق سردی به ناگاه تمام وجود واشینگتن و پایتخت های کشورهای غربی را فراگرفت. واشینگتن به جای استقبال از ورود این مقامات منتخب به دوره در حال ظهور و تازه ای از دموکراسی، جنگ سردی را علیه مسلمانان دموکرات آغاز کرد. بدین ترتیب حتی فشاری کوچک در سال ۲۰۰۵ از سوی آمریکا به هم پیمانان مستبدش در جهت دموکراسی سازی نیز نتیجه ای به بار نیاورد و در سال ۲۰۰۶ کاملاً محو شد. در حقیقت رژیم های خودکامه عرب احساس می کردند که هراس غرب از روی کار آمدن یک نیروی اسلامی سیاسی، آسایش جدیدی را به زندگی شان دمیده است. حالا این جنگ سرد علیه اسلامگرایان در حال تبدیل شدن به جنگی تمام عیار است که اول حماس را در غزه و بعد حزب الله را در لبنان هدف گرفت. اسرائیل در منطقه، به عنوان حامی منافع آمریکا در منطقه شناخته می شود. برخی این ادعا را که اسرائیل در پی ربوده شدن سه سربازش برای حمله به حماس و حزب الله مورد تشویق قرار گرفته است، خواهند پذیرفت. اما نابود کردن لبنان با یک شیوه افراطی که زاییده میل به انتقامجویی است، از نظر اخلاقی پذیرفتنی نیست و از منظر سیاسی نیز نمی تواند توجیه شود - این شیوه همچنین فاقد کارایی است. در ۳۰ جولای خشم و غضب جهان اسلام و عرب در پی بمباران مناطق مسکونی در روستای قانای لبنان که به کشته و زخمی شدن ده ها شهروند بی گناه و کودکان بسیاری منجر شد، به سطحی بی سابقه رسید. قتل عام مشابه سال ۱۹۹۶ قانا که عرب ها همیشه از آن با دردناکی یاد می کنند، به سقوط شیمون پرز نخست وزیر وقت اسرائیل منجر شد. در حال حاضر پیش بینی سرنوشت ایهود اولمرت نخست وزیر کنونی اسرائیل و احتمال جان به در بردن وی از حادثه قانای ۲ و جنگ اخیر زود است. اما حزب الله از این جنگ به سلامت گذر کرد. این گروه از پنج نخست وزیر اسرائیلی و سه رئیس جمهور آمریکایی نیز بیشتر عمر کرده است. حزب الله که در انبوه حملات اسرائیل طی سال ۱۹۸۲ به دنیا آمد، در عین حال که یک جنبش مقاومت علیه اشغال خارجی است، به ارائه خدمات اجتماعی به ساکنین نیازمند بیروت و نواحی روستایی جنوب لبنان مشغول بوده و همچنین یک بازیگر نمونه در لبنان و سیاست های خاورمیانه ای محسوب می شود. سه رهبر پیشین حزب الله با وجود برخورداری از میلیون ها دلار کمک داخلی و هم پیمانان منطقه ای خود، تصویر یک حکومت داری بدون فساد و زندگی شخصی بدون آلایش را از خود ترسیم کرده اند.

بخش اول

***فعال دموکراسی در مصر، استاد جامعه شناسی سیاسی در دانشگاه آمریکا در قاهره و رئیس مرکز مطالعات توسعه ای ابن خلدون**

منبع : واشینگتن پست

شرکت ارتباطات زیر ساخت

آگهی مناقصه شماره ۸۵/۲۲ س

شرکت ارتباطات سیار در نظر دارد تامین خدمات خودروئی مورد نیاز خود را بر اساس شرایط و طرح پیمان و مشخصات موجود در اسناد مناقصه به پیمانکار واجد شرایط که دارای تائیدیه صلاحیت از وزارت کار و یا انجمن صنفی اتومبیل کرایه و یا سازمان تاکسیرانی برای سال ۸۵ باشد واگذار نماید. داوطلبان شرکت در مناقصه میتوانند با در دست داشتن معرفی نامه از تاریخ نشر آگهی لغایت ۸۵/۶/۱۵ در ساعت اداری به واحد فروش اسناد واقع در میدان ونک، خیابان ونک، ضلع شرقی بزرگراه کردستان، برج همراه، طبقه هفتم، دبیرخانه اداره کل تدارکاتی مراجعه و پس از دریافت معرفی نامه مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ ریال (یکصد هزار ریال) به حساب شرکت ارتباطات سیار نزد بانک ملی ایران واریز و با ارائه رسید بانکی اسناد مناقصه را دریافت و با توجه کامل به مندرجات آنها اسناد مذکور را مهر و امضاء نموده و به ضمیمه پیشنهاد خود تا ساعت ۱۵ روز شنبه مورخ ۸۵/۶/۲۵ به نشانی فوق الذکر تسلیم نمایند. کمیسیون معاملات در تاریخ ۸۵/۶/۲۶ راس ساعت ۹ صبح در طبقه دهم برج همراه واقع در خیابان ونک تشکیل و نسبت به پیشنهادات رسیده اتخاذ تصمیم خواهد نمود.

ضمنا مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (یکصد میلیون ریال) میباشد که میبایستی به صورت ضمانتنامه بانکی و یا نقدا به حساب شماره ۹۰۱۱۹ شرکت ارتباطات سیار نزد بانک فوق الذکر واریز گردد سایر موارد در اسناد مناقصه درج گردیده است.

اداره کل تدارکاتی
شرکت ارتباطات سیار